خراسان روزنامه صبح ایران
سه‌شنبه ۲۱ آذر ۱۳۹۶ . ۲۳ ربیع الاول ۱۴۳۹ . شماره ۱۹۷۰۴

## ۴ کشته در سانحه رانندگی در کنار گذر اراک

در سانحه رانندگی که لحظاتی پیش در کنار گذر اراک رخ داد، ۴ نفر جان خود را از دست دادند.
به گزارش خبرگزاری میزان، در این سانحه رانندگی که در کنار گذر اراک بین سه دستگاه خودروی کامیون کشنده، کامیون کمپرسی و سواری پراید رخ داد، ۴ نفر جان خود را از دست دادند.

# گوشی دزدی با چاقوی تاشو!

**سید خلیل سجادپور**- یکی از دزدان خشنی که با همراه داشتن «چاقوی تاشو» دست به گوشی دزدی می زد درحالی توسط ماموران کلانتری سپاد مشهد دستگیر شد که تلاش پلیس برای به دام انداختن همدست وی آغاز شده است. معاون دادستان مشهد با تشریح ماجرای کیف قاپی و گوشی دزدی های هونداسواران خشن در مشهد گفت: به دنبال افزایش پرونده های گوشی قاپی در شرق مشهد، دستورات ویژه ای برای شناسایی ودستگیری عاملان جرایم مذکور به سر کلانتری ها صادر شد. قاضی سید جواد حسینی افزود: ماموران انتظامی برای کشف جرم به تجزیه وتحلیل اطلاعاتی پرداختند و بدین ترتیب گروه های زبده ای از ماموران با توجه به موقعیت های جغرافیایی ارتکاب جرم وارد عمل شدند و تحقیقات غیرمحسوس و پوششی خود را در این مناطق آغاز کردند. وی تصریح کرد: درحالی که بررسی های پلیس در این باره ادامه داشت عصر پانزدهم آذر مردی در اطراف میدان بهارستان مشهد، طعمه گوشی دزدان شد. قاضی حسینی گفت: مال باخته بلافاصله با پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و اظهار کرد: «در حال صحبت با گوشی تلفن همراهم بودم که ناگهان سرنشینان یک دستگاه موتورسیکلت هوندا گوشی را از دستم قاپیدند و فرار کردند.» بازپرس جرایم خاص مشهد اضافه کرد: با اعلام این گزارش، ماموران کلانتری سپاد در یک عملیات هماهنگ وارد عمل شدند و طرح مهار را در خیابان های اطراف محل وقوع جرم اجرا کردند.
سرپرست مجتمع قضایی شهید بهشتی مشهد خاطرنشان کرد: هنوز دقایقی از عملیات تعقیب نگذشته بود که ماموران انتظامی، موتورسواران مذکور را با توجه به مشخصات اعلامی از سوی مال باخته، شناسایی کردند و دستور «ایست» دادند اما آن ها بدون توجه به فرمان پلیس، وارد کوچه پس کوچه های بولوار بهمن شدند تا از چنگ قانون بگریزند.
قاضی سید جواد حسینی افزود: ماموران انتظامی نیز با استفاده از شگردهای تخصصی تعقیب متهم، همه راه های گریز را بستند تا این که موتورسیکلت متهمان در یکی از کوچه های بولوار بهمن واژگون شد اما راکب بلافاصله با رها کردن همدستش سوار بر موتورسیکلت شد و از راه های فرعی گریخت. معاون دادستان مرکز خراسان رضوی اضافه کرد: در همین حال ترک نشین موتورسیکلت که «ف-ص» نام دارد به چنگ پلیس افتاد و در بازرسی از وی یک قبضه «چاقوی تاشو» کشف شد.
وی گفت: متهم مذکور که توسط مال باخته اطراف میدان بهارستان شناسایی شد تاکنون به حدود ۲۰ فقره سرقت در مناطق سپاد، شهید چراغچی، آبکوه، سناباد، راهنمایی و ... اعتراف کرده است که تحقیقات در این باره با مراجعه پنج شاکی به کلانتری سپاد همچنان ادامه دارد.

عکس از خراسان

## ۵ زن و دختر طعمه خواستگار قلابی ۵۲ میلیاردی شدند

# کلاهبرداری با سنگ قبر همسر

مرد جوان با فریبکاری در نقش های مختلف دست به کلاهبرداری ۵۲ میلیاردتومانی زد و برای اجرای نقشه اش پنج دختر وزن را تسلیم چرب زبانی هایش کرد.
به گزارش رکنا، علیرضا ۳۹ ساله کلاهبرداری ۵۲ میلیاردی است که با ۹ سابقه کیفری، آخرین بار پرونده ای را رقم زده است که در آن پنج زن و دختر جوان را هدف سناریوی فریبکارانه خود قرار داده و زندگی را برای آن ها تلخ کرده است.
این مرد پس از این که با دختران و زنان موضوع ازدواج را مطرح می کرد با اعتماد سازی با نام آن ها حساب های بانکی باز و با دسته چک های زنان به کلاهبرداری اقدام می کرد.
علیرضا حتی برای این که به زنان ثابت کند که همسر سابقش فوت کرده است با جعل گواهی فوت و عکس سنگ قبر زنش نزد دختران اعتماد سازی می کرد.
این متهم که نزدیک به چهار ماه تحت تعقیب ماموران پلیس آگاهی تهران بود روز ۲۸ آبان ماه زمانی که به تهران بازگشت دستگیر شد.

■ **سابقه داری؟** بله، ۹ سابقه کیفری دارم که به اتهامات کلاهبرداری، چک برگشتی، جعل و رابطه نامشروع به زندان رفتم.

■ **چند ساله بودی که زندان رفتی؟** ۱۶ ساله بودم که به خاطر رابطه نامشروع به زندان محکوم شدم.

■ **ازدواج کردی؟** سال ۷۹ ازدواج کردم و سال ۸۸ به خاطر اختلافات و مشکلاتی که داشتیم در حالی که دخترم ۹ سال داشت طلاق گرفتم.

■ **اهل کجا هستی؟** اهل اصفهان هستم که سال ۸۲ به تهران آمدم و در منطقه مینی سیتی یک پیتزا فروشی راه اندازی کردم و شب ها نیز در روزنامه ها کار توزیع را انجام می دادم که به خاطر مشکل مالی مجبور به گرفتن پول نزولی شدم و در ادامه به زندان رفتم. وقتی آزاد شدم با یک نفر در شرق تهران مغازه موبایل فروشی راه انداختم و به صورت قاچاقی گوشی موبایل وارد می کردیم و می فروختیم که دوباره به زندان افتادم و زمانی که آزاد شدم دیدم شریکم مغازه را جمع کرده و رفته است.

■ **چطور به فکر این کلاهبرداری میلیاردی افتادی؟** داخل زندان با مردی آشنا شدم در آن جا تصمیم گرفتیم یک کارخانه ایمپلنت راه اندازی کنیم که به همین دلیل من شروع به کشیدن چک های زیادی کردم و قرار بود وقتی شرکت به مرحله تولید رسید کم کم چک ها را نقد کنم که دستم رو شد.

■ **زنان را هم هدف کلاهبرداری هایت قرار دادی؟** بله، با پنج دختر طرح دوستی و خواستگاری ریختم و سپس با نام آن ها دسته چک گرفتم و چک های آن ها را در بازار خرج کردم.

■ **طعمه هایت می دانستند قبلا ازدواج کردی؟** گفته بودم همسرم فوت کرده است.

■ **کسی به حرف هایت شک نکرد؟** آخرین دختری که با او موضوع ازدواج را مطرح کردم و قصد داشتم واقعا با او ازدواج کنم به حرف هایم شک کرد که مجبور شدم برگ گواهی فوت همسر سابقم را جعل کنم.

■ **شنیدم عکس سنگ قبر هم به دختر جوان نشان دادی؟** بله، در یکی از آگهی ها عکس سنگ قبر بود که با طراحی توانستم اسم زن سابقم را روی آن بنویسم و دختر جوان با دیدن عکس به حرف هایم اطمینان کرد.

■ **چطور بدون این که آن ها به بانک مراجعه کنند حساب باز می کردی؟** چون گردش حساب بانکی خودم خوب بود بانک ها به من اعتماد می کردند و بدون این که خود شخص حضور داشته باشد حساب باز می کردند.

■ **با نام منشی شرکت نیز حساب باز کردی؟** بله، با نام منشی شرکت که پسر جوانی است حساب بانکی باز کردم و ۲۸ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان چک کشیدم.

■ **چند حساب بانکی به نام خودت است؟** ۴۹۰ حساب بانکی دارم.

■ **چطور این همه دسته چک داری؟** دسته چک ها برای قدیم است، چون ابتدا با حسابم کار می کردم مورد تایید شناخته شدم و مجوز دسته چک دو جلدی داشتم به همین دلیل همه ۵۰ دسته چک را از قبل تهیه کرده بودم.

■ **در مجموع چقدر کلاهبرداری کردی؟** ۲۸ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان با حساب منشی شرکت و ۱۳ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان با حساب خودم و خانم هایی که با آن ها طرح ازدواج داشتم که در مجموع نزدیک ۵۲ میلیارد تومان می شود.

■ **با دخترها چطور آشنا می شدی؟** در سایت های مجازی با آن ها آشنا می شدم و پس از اعتماد سازی موضوع ازدواج را مطرح می کردم که آن ها با توجه به خانه های میلیاردی و خودروی لوکسی که داشتم و شغلم که می گفتم دکتری هستم و کارخانه دارم به من اطمینان می کردند.

■ **فکر نمی کردی دستگیر شوی؟** نه، چون قرار بود بعد از این که کارخانه به مرحله تولید می رسد قسمتی از بدهی مان را با توجه به شرایط بازار پرداخت کنیم و طلبکارها هم راضی بودند یک سوم پول را بگیرند و چک را بدهند که نقشه ام به اجرا نرسید.

■ **با پول هایی که به دست آوردی چه کار کردی؟** ۶ خودروی BMW مدل های ۵۳۰، ۷۳۰ و x5 ثبت نام کرده بودم و پنج خانه در مناطق فرمانیه، سعادت آباد به صورت قولنامه ای خریداری کرده بودم.

■ **شنیدم برای دخترها هزینه زیادی کردی؟** برای آخرین دختر که قصد ازدواج با او را داشتم در شب تولدش در یکی از بهترین رستوران های تهران تولد گرفتم و نزدیک به چهار میلیون تومان هزینه کردم و شب ولنتاین سال گذشته نیز در یک رستوران لوکس مراسم میلیونی برگزار کردم.

■ **برای دخترها و زنانی که با زندگی آن ها بازی کردی ناراحت نیستی؟** نه.

■ **اگر یکی با زندگی دخترت بازی می کرد چه کار می کردی؟** نمی دانم. فقط می گویم که اشتباه کردم.

■ **از خانه یکی از دخترها سرقت کردی؟** بله، برای یکی از آن ها به مناسبت عیدهای مختلف و با توجه به این که قصد ازدواج داشتم طلا خریده بودم و یک روز از او خواستم که یکی از طلاها را بفروشد که من چکم را نقد کنم که نفروخت به همین دلیل از روی کلید خانه شان کپی کردم و زمانی که در مسافرت بودند طلاها و دو هزار دلار را از خانه شان سرقت کردم.

■ **می دانستی تحت تعقیب پلیس هستی؟** شریکم به من زنگ زد و گفت که طلبکارها به کارخانه می آیند و از من خواست که مدتی فراری باشم که از چهار ماه پیش به شهرهای شمالی رفتم و روز ۲۸ آبان ماه وقتی به تهران آمدم دستگیر شدم.

**گفت و گو با نخستین دختر فریب خورده**

دختر جوان که چهره آرامی داشت هنوز باور نمی کرد که به دلیل اعتمادی که به علیرضا کرده، زندگی اش به تباهی رسیده است.
این دختر جوان به رکنا گفت: ۴ سال قبل علیرضا به شرکت ما آمد و مدتی به آن جا رفت و آمد داشت که پس از مدتی از من خواستگاری کرد و مدت سه سال با هم در ارتباط بودیم که ناگهان ناپدید شد و پس از یک سال وقتی به من زنگ زد ادعا کرد که به دلیل بدهی اش به زندان افتاده و از من خواست تا کمکش کنم. من هم برای رضایت گرفتن از شاکی پرونده اش ۲۰ میلیون تومان تهیه کردم تا این که علیرضا آزاد شد.
وی افزود: پس از آزادی به خاطر علیرضا بدهکار شده بودم و از او می خواستم که پولم را پس دهد اما او بهانه می آورد و با نقش بازی کردن و چرب زبانی هایش از من باز پول می گرفت و حتی یک بار نزدیک به ۲۰۰ میلیون تومان از خانه مان دزدی کرد. دختر جوان گفت: قصد داشتم از او شکایت کنم، اما علیرضا چرب زبان بود و من تسلیم حرف هایش شده بودم تا این که متوجه شدم دستگیر شده است.

■ **گفت و گو با آخرین دختری که طعمه شده بود**

دختر جوان وقتی علیرضا را در اداره پلیس آگاهی تهران مشاهده کرد اشک از چشمانش جاری شد و به خبرنگار رکنا گفت: با علیرضا در یکی از سایت های مجازی آشنا شدم و پس از این که همدیگر را شناختیم همراه خانواده اش به خواستگاری ام آمد و همه چیز خوب پیش می رفت تا این که اولین چک برگشتی به دستم رسید. آن جا بود که فهمیدم علیرضا با دسته چک من اقدام به کلاهبرداری کرده است که خیلی زود دست به کار شدم و چک ها را جمع کردم و علیرضا نیز در این مدت فراری بود تا این که ۲۸ آبان دستگیر شد.
بنا به این گزارش، تجسس های ماموران پلیس آگاهی تهران برای شناسایی دیگر طعمه ها و جرایم احتمالی این مرد هزارچهره ادامه دارد.

## کلاهبرداری با شگرد اعزام به عتبات

کلاهبردار حرفه ای که از ۳۰ شهروند در سراسر کشور به بهانه اعزام به عتبات عالیات مبالغ هنگفتی کلاهبرداری کرده بود دستگیر شد.
به گزارش پایگاه خبری پلیس، فرمانده انتظامی استان خراسان رضوی با اعلام این خبر گفت: فرد کلاهبرداری با معرفی خود به عنوان مدیر کاروان، ادعا می کرد افرادی را می تواند به عنوان خدمه به صورت رایگان به سفرهای زیارتی اعزام کند و همسفران این افراد با تخفیف نیمه بها می توانند از این امتیاز استفاده کنند. فرمانده انتظامی استان خراسان رضوی گفت: متهم با چرب زبانی و ارائه شماره کارت و این ادعا که کاروان در حال تکمیل است و فقط یک ظرفیت باقی مانده است، افراد را فریب می داد و مبالغی از ۱۰۰ هزار تا دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان از آن ها دریافت می کرد. سردار کریمی تصریح کرد: ماموران انتظامی متهم را در حالی دستگیر کردند که از روی دیوار سه متری قصد فرار داشت. وی گفت: متهم ۳۲ ساله که ۱۱ ماه از فعالیت کلاهبردارانه اش می گذرد برابر مستنداتی که تاکنون از ۳۰ نفر از مال باختگان (۱۳ نفر در مشهد و باقی در شهرهای تهران، قم، اهواز و بروجرد) به دست آمده، در مجموع مبلغ ۴۰ میلیون تومان کلاهبرداری کرده است.

## زلزله ۶ ریشتری از گله کرمانشاه را لرزاند

زمین لرزه نسبتا شدیدی عصر روز گذشته مرز عراق با استان کرمانشاه و استان کردستان را لرزاند. به گزارش خبرگزاری صداوسیما مرکز کرمانشاه، زلزله ۶ دهم در مقیاس ریشتر، شهر ازگله از توابع ثلاث باباجانی را لرزاند.
قدرت این زلزله بسیار زیاد بود به طوری که در شهر کرمانشاه نیز احساس شد. از خسارات احتمالی هنوز خبری مخابره نشده است. در عین حال ایرنا گزارش داد: زلزله ای به بزرگی ۶ ریشتر ساعت ۱۷ و ۳۹ دقیقه و ۵۶ ثانیه روز دوشنبه حلیچه عراق را به لرزه درآورد. به گزارش مرکز لرزه نگاری کشوری موسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، این زلزله که در عمق ۱۰ کیلومتری زمین به وقوع پیوست در شهرهای مرزی ایران نیز احساس شد.
در همین حال ایرج زاهدپور مدیرکل مدیریت بحران استان قزوین در گفت و گو با خبرنگار مهر گفت: زلزله ای به قدرت ۳/۸ ریشتر شهرستان آوج در استان قزوین را لرزاند.
وی افزود: بر اساس گزارش های دریافتی این حادثه تاکنون هیچ گونه خسارت جانی و مالی در بر نداشته است. شهر آوج در ۹۴ کیلومتری شهر قزوین قرار دارد.

## دادگاه مردی که زنش را در پیاده رو سلاخی کرد برگزار می‌شود

مردی که در حوالی پمپ بنزین پاسداران مقابل چشمان شاهدان همسرش را به طرز فجیعی کشته و خودزنی کرده بود در دادگاه کیفری محاکمه می شود. به گزارش رکنا، ظهر بیست و چهارم مرداد ماه سال ۹۰ عابرانی که از خیابان پاسداران تهران عبور می کردند با صحنه وحشتناکی روبه رو شدند. یک مرد میان سال با ضربات چاقو همسرش را مقابل در پمپ بنزین زخمی کرد و سپس با چاقو به شکم خودش زد. این مرد که روی زمین افتاده بود فریاد می کشید همسرش را کشته است. بعد از این ماجرا این زن و مرد با آمبولانس اورژانس به بیمارستان شهدای تجریش منتقل شدند اما زن ۴۰ ساله به نام مریم بر اثر شدت جراحات جان سپرد. دختر بزرگ این زوج که از شنیدن خبر مرگ دلخراش مادرش شوکه شده بود در بازجویی ها به پلیس گفت: پدرم بیکار بود. به همین خاطر دو روز قبل پسرخاله ام در ساختمان پزشکان در پاسداران برای او کار پیدا کرد. اما روز بعد پسرخاله ام با مادرم تماس گرفت و گفت پدرم صندوق صدقات ساختمان پزشکان را خالی کرده است. مادرم موضوع را به پدرم گفت و پدرم عصبانی شد. او می گفت بی گناه است. به همین دلیل، قرار شد فردا برای اثبات بی گناهی اش همراه مادرم به ساختمان پزشکان برود. پدرم همراه خودش کارد سلاخی برداشت تا این که مطلع شد پدرم مادرم را کشته و خودزنی کرده است. قاسم که پس از عمل جراحی زنده مانده بود در بازجویی ها به قتل فجیع همسرش با ضربات متعدد چاقو اعتراف کرد. وی که چهار فرزند دارد دو تا دو سال قبل از این ماجرا، در قصابی سلاخی می کرده است گفت: مدتی بود بیکار بودم. به تریاک و شیشه اعتیاد داشتم و همسرم به من اهمیت نمی داد. به او بدبین شده بودم به همین دلیل در خیابان با او درگیر شدم و همسرم را کشتم. من با چاقو به شکم خودم زدم تا خودم را بکشم و از این زندگی خلاص شوم اما زنده ماندم. برای وی که به بازسازی صحنه جرم پرداخته بود کیفرخواست صادر و پرونده اش به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. قرار بود قاسم دیروز در شعبه دوم دادگاه محاکمه شود اما این جلسه به دلیل غیبت اولیای دم به روزهای آینده موکول شد.

### یادداشت

## جن به جاده نزده اما مرگ می تازد!

**غلامرضا بنی اسدی**- نه جن، جاده را می تکاند و نه عزرائیل در راه خوابیده بود. شومی هم حرف مفتی بود که از زبان اهل خرافات برمی خاست. پیچیده هم نبود ماجرا؛ وقتی جاده دوطرفه باشد و خودروها پر سرعت و پرشمار، قصه همان می شود که سال های پیش در جاده مشهد تا گناباد اتفاق می افتاد.
آن روز ها، فرق نمی کرد بهار است یا پاییز، مرگ بود که از زمین می رویید و در آن دیار خشکسالی شده، خون بود که می جوشید. موضوع پیچیده ای هم نبود. تنها مجهول معادله، اراده ای برنامه مند بود که وقتی پای کارآمد و باند دوم جاده ساخته شد، خیلی راحت تر از آن که تصور شود حل شد و تمام. دیگر در جاده دوبانده شاهد آن «مرگ بازار» ها نبودیم و همه دانستند نه حضرت عزرائیل در جاده خوابیده و نه جن به جاده زده بلکه عامل انسانی در حوزه جاده و رانندگی گناه خطایشان را به نام جناب ملک الموت می نوشتند.
آن روز ها، یادم هست که ما خراسانیان به فغان آمدیم و فریاد زدیم که این «موج مرگ» را چاره ای باید و به چاره برخاستند مدیران و مسئولان تا جایی که امروز، «جاده مرگ» دیروز که عبارت و مفهوم ناخوشایندی بود برای مردم و وقتی نوشته می شد، آزار مسئولان را در پی داشت، امروزه به جاده زندگی تبدیل شده است که هم مردم لذت می برند و هم مسئولان بدان می بالند اما قصه مرگ و جاده مرگ در دوسوی خراسان از جنوبی تا شمالی آن، دوباره دارد به خون نوشته می شود و پریروز، سه نفر در خراسان جنوبی به کام مرگ رفتند و جاده مرگ در خراسان شمالی هم پنج زندگی را بلعید اما بدانید و بدانند همه که نه پای جن در میان است و نه باید گناه پرپر شدن نابه هنگام زندگی ها را پای حضرت ملک الموت نوشت بلکه باز به فریاد باید از مسئولان خواست که به دو بانده سازی جاده ها شتاب بخشند و هر بخشی که آماده می شود را هرچند کوتاه هم باشد، زیر بار ببرند و افتتاح رسمی اش را بگذارند برای مناسبتی که می خواهند اما به احترام زندگی و به حرمت جان انسان ها بکوشند هر روز از قامت منفور جاده مرگ و محور دلهره کاسته شود و جاده، بوی زندگی بگیرد.
آن وقت باز خواهیم دید که نه جن به جاده می زند و نه مرگ در جاده می خوابد. یک مجهول بیشتر ندارد این معادله؛ باید با اراده ای برنامه مند باند های دوم جاده ها را پرشتاب ساخت و جز این هم راهی برای کاهش جدی و مستمر حوادث نیست. پس وقت را از دست ندهیم که به اندازه همه دقایق از دست رفته ذمه مسئولان زیر بار دین مردم خواهد رفت و حق الناس را هم حرمتی است که گران سنگی آن را همه می دانیم و... همین!

### خط زرد

## توصیه هایی برای کوهنوردی

* هیچ گاه تنها به کوه نروید حتی اگر برای چند ساعت قصد سفر دارید.
* بیش از توان فیزیکی یا توان فنی خود و دیگران برنامه ریزی نکنید و همواره توان ضعیف ترین فرد را در نظر بگیرید.
* هیچ گاه در کوه دچار غرور نشوید و همیشه از تجربیات و توصیه های دیگران به خصوص پیش کسوتان بهره بگیرید.
* اصول اساسی حمل بار بخشی از ایمنی در کوهستان است. بیش از توان فیزیکی خود بار به همراه نبرید.
* هرگاه دچار حادثه شدید با شماره ۱۲۵ تماس بگیرید و با خونسردی کامل موقعیت خود یا برخی علائم خاص منطقه را اعلام کنید تا کمک رسانی تسریع شود.
* در زمان حادثه با تماس های بی جا، تلفن همراه خود را مشغول نکنید تا نجات گران بتوانند با شما در ارتباط باشند.

**سازمان آتش نشانی تهران**

## انفجار منجر به آتش سوزی سه عضو یک خانواده را روانه بیمارستان کرد

مدیرعامل سازمان آتش نشانی مشهد گفت: انفجار منجر به آتش سوزی در یک منزل مسکونی در بولوار ۲۲ بهمن مشهد به سوختگی سه عضو یک خانواده منجر شد. به گزارش پایگاه خبری ۱۲۵؛ آتشپاد حسن جعفری روز دوشنبه در شرح این عملیات افزود: در پی اعلام انفجار در یک منزل مسکونی دو طبقه، گروه های امداد و نجات و اطفا حریق از ایستگاه ۲۹ آتش نشانی فوری به این محل اعزام شدند.
وی با بیان این که دو پسر ۲۲ و ۱۲ ساله و مادر ۴۸ ساله آنان در اثر بروز این حادثه دچار سوختگی شدید شده اند، اظهار کرد: این دو پسر زمانی که قصد تخلیه کپسول گاز ۱۱ کیلویی بوتان را در حیاط منزل داشتند باعث بروز این حادثه شده اند. وی گفت: گازهای متصاعد شده در فضا به زیرزمین منزل و شعله آبگرمکن می رسد که این امر موجب انفجار منجر به آتش سوزی می شود. مدیر عامل سازمان آتش نشانی مشهد بیان کرد: این انفجار خسارت چندانی به منزل وارد نکرد اما منجر به فروریختن شیشه های منزل مجاور شد و دو پسر و مادر ۴۸ ساله آنان دچار سوختگی شدند. آتشپاد جعفری افزود: بعد از اطفای حریق و رفع خطر هر سه مجروح این حادثه تحویل اورژانس شدند.

### در امتداد تاریکی

## کافه گردی!

دیگر این زندگی برایم غیرقابل تحمل شده است آن قدر از سوی خانواده همسرم تحقیر می شوم که روح و روانم به هم ریخته است. رفتارهای خشن و فحاشی های همسرم از یک سو و زخم زبان های مادر شوهرم از سوی دیگر خیلی برایم عذاب آور شده است به طوری که دیگر به آخر خط رسیده ام و.... زن ۲۵ ساله در حالی که بیان می کرد شاید سرگذشت من درس عبرتی برای آنانی باشد که فریب قیافه و ظاهر افراد را می خورند به کارشناس اجتماعی کلانتری سناباد مشهد گفت: شش سال قبل با شور و شوق عجیبی وارد دانشگاه شدم از این که در رشته ریاضی تحصیل می کردم به خود می بالیدم چرا که احساس می کردم مورد توجه دیگران قرار گرفته ام تا این که در همان ترم اول با «مسعود» آشنا شدم. او در رشته شیمی تحصیل می کرد اما در یکی از دروس عمومی با یکدیگر همکلاس بودیم اگرچه آشنایی ها از همین کلاس درس شکل گرفت اما من که در یک خانواده مذهبی بزرگ شده بودم کاملا رفتار متعارفی داشتم و از ارتباط قبل از ازدواج خودداری می کردم به همین دلیل فقط یک ماه بعد از این آشنایی بود که خانواده مسعود با آداب و رسوم سنتی از من خواستگاری کردند.
این در حالی بود که من عاشق تیپ و ظاهر او شده بودم و هیچ گاه به اعتقادات و رفتارهای اجتماعی و خانوادگی او اهمیتی نمی دادم. با آن که آینده شغلی مسعود مشخص نبود و از جیب پدرش خرج می کرد اما پدر شوهرم با قاطعیت می گفت پسرم مشکل شغل نخواهد داشت. این در حالی بود که خواهر و مادر شوهرم از همان روزهای اول برگزاری مراسم عقد نیش و کنایه های خودشان را آغاز کردند. آن ها مدام مرا تحقیر می کردند، مادر شوهرم می گفت پسرم با این قد و بالا و چهره آراسته و زیبا می توانست دختری بهتر و زیباتر از تو انتخاب کند. با وجود این، من همه این زخم زبان ها را به خاطر مسعود تحمل می کردم تا این که با پایان یافتن تحصیلاتمان همسرم تصمیم گرفت به یک تاجر بزرگ تبدیل شود؛ بنابراین سفر به کشورهای عربی و آسیای میانه را آغاز کرد، اما هر بار که از سفر بازمی گشت وضع مالی ما نسبت به گذشته بدتر می شد. کار به جایی رسید که برای پرداخت اجاره منزل مجبور شدیم طلاها و بخشی از لوازم منزلمان را بفروشیم. با آن که مدت کوتاهی از زندگی مشترکمان می گذشت اما شش بار خانه اجاره ای را عوض کردیم در همین روزها پنج میلیون تومان از یکی از بستگانم قرض کردیم تا همسرم وارد بازار خرید و فروش لوازم آرایش شود اما او چند ماه بعد همان پول ها را هم از دست داد. با وجود این و در حالی که صاحب دختری زیبا شده بودم رفتارهای همسرم از فحاشی به کتک کاری کشید. پدرم هزینه های ما را تامین می کرد ولی همسرم تا پاسی از شب به کافه گردی، سیگارکشی و روابط نامتعارف می پرداخت. چند بار با قهر به منزل پدرم رفتم ولی هر بار پدرم مرا به خانه ام باز می گرداند به طوری که مورد تمسخر همسرم و خانواده اش قرار می گرفتم. مسعود بیکار بود و به هر بهانه ای مرا کتک می زد به گونه ای که دیگر نتوانستم این وضعیت را تحمل کنم کاش...

**ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی**

### از میان خبرها

## شهادت مامور ناجا در درگیری با اشرار مسلح

**توکلی**- فرمانده پایگاه نهضت آباد شهرستان رودبار جنوب در استان کرمان در درگیری با اشرار به شهادت رسید. سروان خاوش زاده عصر یک شنبه در درگیری نیروهای انتظامی پاسگاه نهضت آباد در محدوده منطقه تکل حسن با اشرار مسلح به شهادت رسید. به گزارش خبرنگار ما پیکر شهید محمدرضا خاوش زاده روز گذشته با حضور فرمانده انتظامی استان کرمان، فرماندار و جمعی از مسئولان محلی و مردم در این شهرستان تشییع و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

## کشف ۹ میلیون تومان چک پول تقلبی از لباس ۲ معتاد

رئیس کلانتری ۱۲۲ دربند از دستگیری دو نفر جاعل اسکناس های تقلبی و کشف حدود ۹ میلیون تومان وجه نقد در محدوده خیابان نخجوان خبر داد. به گزارش مهر، سرهنگ "محمدباقر قدم زاده"، با بیان این مطلب گفت: شب شنبه گذشته حدود ساعت ۲۴ عوامل گشت کلانتری حین گشت زنی به دو نفر که به صورت پیاده داخل خیابان در حال تردد بودند مظنون شدند که در بازرسی بدنی از آنان مقداری اسکناس جعلی کشف شد. وی افزود: این افراد در برخورد اولیه با ماموربن منکر همراه داشتن هر گونه شیء مشکوک شدند در حالی که چک پول های تقلبی را داخل لباس های خود جاسازی کرده بودند که با تیزهوشی ماموران پول های تقلبی کشف و ضبط شد. رئیس کلانتری ۱۲۲ دربند بیان کرد: این متهمان که قصد داشتند با اسکناس های تقلبی مواد مخدر تهیه کنند قبل از هرگونه اقدام دستگیر شدند.